

بررسی دیدگاه خاورشناسان درباره تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی

دکتر محمد علی رضایی اصفهانی*
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

چکیده

در این نوشتار به پیشینه مباحث تأثیرپذیری اشاره می‌شود و این که مغرب زمین خاستگاه این نظریه است که تأثیرپذیری کتاب مقدس را از فرهنگ زمانه پذیرفته‌اند، سپس برخی مستشرقان مثل گیگر و یوسف درّه حداد و... همین نظریه را به قرآن سرایت داده و تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی جزیره العرب را مطرح کرده و تا آن جا پیش رفته‌اند که کتاب مقدس را از مصادر قرآن دانسته‌اند. در ادامه مقاله به پاسخ‌دهندگان این دیدگاه مثل عبدالرحمن بدوی و دلایل آن‌ها اشاره شده است و مهم‌ترین مشکل مستشرقان صاحب این نظریه، توجه نکردن به تفاوت‌های قرآن و کتاب مقدس می‌باشد؛ چرا که قرآن کلام خداست که کم و زیاد نشده است؛ بر خلاف متن موجود تورات و انجیل، و این که قرآن با برخی آموزه‌های کتاب مقدس و فرهنگ یهودی و مسیحی مثل

تثلیث و صلیب شدن عیسی علیه السلام و... مخالفت کرده است و اگر برخی مطالب قرآن با کتاب مقدس در عقاید و احکام و اخلاق مشابه است، برای آن است که منبع آن‌ها (خدای متعال) یکی است.

در پایان موارد مشترک و اختلافی قرآن و کتاب مقدس بیان می‌شود.

واژه‌های اصلی: قرآن، مستشرقان، فرهنگ زمانه، کتاب مقدس.

درآمد

رابطه قرآن و فرهنگ زمانه از مسائل نو پدید در حوزه قرآن‌پژوهی است و اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که برخورد معقول با این مطلب می‌تواند رازگشای برخی آیات مرتبط با عقاید و آداب و رسوم عرب جاهلی باشد و به فهم و تفسیر بهتر قرآن کمک کند. در مقابل، پذیرش تأثیر پذیری مطلق قرآن از فرهنگ عرب جاهلی، پیامدهای ویرانگری در حوزه تفسیر و علوم قرآن دارد و عملاً قرآن را به کتابی تاریخ‌مند و زمان‌مند تبدیل می‌کند و از صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی بشر کنار می‌زند.

پیشینه

مغرب زمین خاستگاه اصلی نظریه تأثیرپذیری کتب مقدس از فرهنگ زمانه است، چرا که دانشمندان غربی با مطالعه متون تحریف شده فعلی انجیل و بررسی تاریخ آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که انجیل‌ها نگاشته دست افرادی مثل مرقس، لوقا، متی، یوحنا و... است که سال‌ها پس از عیسی علیه السلام این متون را با الهام و بهره‌گیری از فرهنگ حاکم عصر خویش به رشته تحریر درآوردند. ایان باربور ادعا می‌کند که برخی قسمت‌های تورات هشت صد سال بعد از موسی علیه السلام نگاشته شد (باربور، ایان، علم و دین، ص ۱۳۰) و حتی جریان وفات موسی و دفن و مراسم عزاداری او در عهد عتیق آمده است (کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۳۴). کتاب مقدس در موارد متعددی نیز مخالف علم و آمیخته با خرافات و تناقضات درونی شده است.

برخی نویسندگان در این مورد می‌نویسند (برگرفته از: سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن، ص ۱۶۹): با توجه به این حقیقت که کتاب‌های مقدس عهد عتیق و عهد جدید ره‌آورد برداشت، علایق و سلايق صدها انسان، با انگیزه‌های

گوناگون است که به گفته قاموس کتاب مقدس (قاموس کتاب مقدس، مقدمه) در مدت هزار و پانصد سال تألیف گشته، از این رو بسیار طبیعی است که ناسازگاری‌های فراوانی در خود داشته باشند.

از سوی دیگر مشاهده می‌شود که با چشم‌پوشی از تفاوت‌های جدی سبک، محتوای نوشته‌ها نیز در موارد متعددی ناهمخوانی و تعارض دارد، برای مثال در جایی گفته می‌شود:

«جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می‌باشند... هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود... مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد، چون که در راه ما لعنت شد، چنان که مکتوب است: ملعون است هر که بردار آویخته شود. (غلاطیان ۳: ۱۰-۱۳)، «و شریعت لالای ما شد تا ما را به مسیح برساند، لیکن چون ایمان آمد، دیگر دست لالا نیستیم» (غلاطیان ۳: ۲۴ - ۲۵)، «و شریعت منشأ تولید گناه و مرگ است» (رومیان ۳: ۲۰، ۷ - ۱۱).

اما همین گوینده کتاب مقدس، یعنی جناب پولس، در جای دیگر، می‌گوید: «پس آیات شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا، بلکه شریعت را استوار می‌داریم. (رومیان ۳: ۳۱)، خلاصه شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو» (رومیان ۷: ۱۳).

و نیز می‌نویسند: (همان، ص ۱۶۰)

به رغم تفکر سنتی حاکم بر جوامع یهودی - مسیحی که نگاه‌های مندرج وحی در عهد عتیق و عهد جدید را الهام الهی به انبیا و قدیسان تلقی می‌کردند؛ این کتاب‌ها نه همان نازل شده بر موسی عليه السلام و عیسی عليه السلام، که تاریخ دیانت بنی‌اسرائیل و حوادث و رخدادهای زمان آن‌ها است که انسان‌های معمولی، در طول زمانی دراز، نگاه‌شده‌اند؛ البته این کتاب‌ها درون خود گفته‌هایی از دستورها،

شرایع و آداب دینی انبیای بنی اسرائیل را دارا هستند و از این باب از ارزش دینی بهره دارند؛ صرف‌نظر از این واقعیت که اناجیل برگزیده به نام کتب قانونی و اعمال رسولان و رساله‌های پولس و رسمیت یافتن آن‌ها از میان ده‌ها انجیل در قرن چهارم، که در عهد جدید مندرج است، همه دارای یک صبغه خاص و متأثر از ساختمان فکری پولس یونان مآب و دشمن دیرین مسیح و مسیحیان (غلاطیان ۱: ۱۴) است که آمیزه‌ای از ارفئیسم، میترائیسم و گرایش‌های گنوسی است (ر.ک. به: سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل وحی از دیدگاه اسلام و مسیحیت، ص ۱۲۵-۱۷۳ و ۲۰۷ - ۲۰۸ و نیز تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، ص ۱۶۰).

گرچه برخی هنوز هم تلاش می‌کنند تا اعتبار و وثاقت کتاب‌های مختلف عهدین را اثبات کنند، (ر.ک: تیسن، هنری، الهیات، مسیحی، ص ۵۰ - ۶۰)، ولی خود می‌دانند که این، تلاشی بی‌ثمر است و اذعان دارند که مطالبی در این کتب مندرج است که به هیچ وجه پذیرفتنی نیست (همو، ص ۶۹).

سپس نظریه تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه که می‌توانست در مورد کتاب مقدس تا حدودی درست باشد، توسط مستشرقان به قرآن سرایت داده شد و اثرپذیری کامل قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی موجود در جزیره العرب معاصر ظهور اسلام مطرح شد.

نخستین بار «آبراهام گیگر» در سال ۱۸۶۳ م در کتاب «محمد از متون یهودی چه چیزی را برگرفته است»، منبع قرآن را در توحید، شریعت و روش بیان مطالب، یهودی معرفی کرد. در قرن نوزدهم میلادی دیدگاه گیگر سرلوحه نظریه‌های مربوط به مصادر قرآن شد و در ادامه کتاب‌های زیر نوشته شد.

عناصر یهودی در قرآن، ۱۸۷۸ م.
پژوهش‌هایی نوین در فهم و تفسیر قرآن در سال ۱۹۰۲ م از هارتویچ
هرشفلد.

بازگویه‌های توراتی در بخش‌های قرآن، تألیف اسرائیل شاپیرو، ۱۹۰۷ م.
نام‌های یهودی و مشتقات آن در قرآن، زنوزف هروتیس، ۱۹۲۵ م.
داستان‌های کتاب مقدس در قرآن، هاینریش اشیاپر، ۱۹۲۵ م.

اسلام تلاشی از سوی یهودیان، حنا زکریا.

تلاش‌هایی نیز برای مسیحی معرفی کردن قرآن انجام شد، از جمله:
اصل اسلام و مسیحیت، توراندریه.

اصل اسلام در محیط مسیحی آن، ریچارد بل، ۱۹۲۶ م.

القرآن ودعوة النصرانية، یوسف دره حداد.

القرآن والکتاب، یوسف دره حداد.

سپس این تلاش‌ها در دایرةالمعارف اسلامیه و دایرةالمعارف قرآن لیدن راه
یافت.

در مقابل برخی نویسندگان مسلمان در پی پاسخ‌گویی به آنان بر آمدند، از
جمله: عبدالرحمن بدوی در کتاب دفاع از قرآن، ترجمه به فارسی حسین سیدی.
در مجله تخصصی قرآن و مستشرقان نیز مقالات متعددی به نقد این مطلب
اختصاص یافته است، از جمله در شماره ششم مجله ۱۳۸۸ ش، مقاله بررسی
تأثیر پذیری قرآن از فرهنگ زمانه در نظر مستشرقان، حسن رضا رضایی.

همین نظریه تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه (اعم از یهود، مسیحیت و به
ویژه در بعد عناصر فرهنگ عرب جاهلی) به نوشته‌های نویسندگان معاصر
اسلامی نیز کشیده شد و موافقان و مخالفانی پیدا کرد که در ادامه خواهد آمد؛ اما

آنچه که در این بحث مورد غفلت واقع شد، این بود که قرآن کریم تفاوت‌های اساسی با کتاب مقدس دارد، از جمله:

۱. قرآن کلام خداست که بدون کم و زیاد بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و ایشان به مردم ابلاغ کرد و ده‌ها نویسنده در عصر پیامبر آن را نوشتند و عده زیادی نیز حفظ می‌کردند و تاکنون به صورت متواتر نقل شده است. و هیچ دخل و تصرفی از طرف پیامبر و ناقلان و حافظان در آن صورت نگرفته و تحریف نشده است. [۱] در حالی که به اعتراف دانشمندان یهودی و مسیحی، تورات و انجیل را سال‌ها بعد از موسی عَلَيْهِ السَّلَام و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نگاشتند و تحت تأثیر فرهنگ زمانه، به ویژه فرهنگ یونانی، بودند.

۲. قرآن در آیات و آموزه‌های عقیدتی، اخلاقی و احکام خویش، در موارد متعدد با تورات و انجیل و فرهنگ عرب معاصر مخالفت کرده است، از جمله در مورد شرک و بت‌پرستی، مباحث مربوط به داستان لوط و انبیای دیگر، مسئله تثلیث و به صلیب کشیده شدن عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، بنابراین نمی‌توان گفت قرآن بر گرفته از فرهنگ عربی یا یهود و مسیحی است (در ادامه دلایل و شواهد زیادی در این موارد خواهیم آورد).

۳. قرآن کریم بر خلاف تورات و انجیل، نه تنها با علم مخالف نیست؛ بلکه با یافته‌های جدید علمی هم‌خوان و در برخی موارد، مشتمل بر اعجازهای علمی است. مواردی هم که توهم تعارض قرآن با علم ایجاد شده، قابل پاسخ است که توضیح خواهیم داد.

استفاده از مطالب تورات و انجیل در قرآن

نخستین بار «گیگر» در سال ۱۸۶۳ م نظریه تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهود را در همه قرآن مطرح کرد و این نظریه در قرن نوزدهم سرآمد نظریه‌های مربوط

به مصادر قرآن شد و افرادی مثل «لامنس»، «لسترنسکی» و «حنّا زکریا» و «یوسف درّه حداد» راه او را ادامه دادند.

حداد [۲] بر این باور است که:

«قرآن با هر لفظی تصریح می‌کند که منبعش کتاب مقدس است» (یوسف دره، حداد، القرآن والکتاب، ص ۱۷۴). وی مدعی است که «قرآن بیان عربی کتاب مقدس است، به همان شیوه، قرآن تفصیل و توضیح کتاب مقدس برای عرب زبان‌ها و تصدیق آن در میان آنان است؛ آن گونه که محیط ایشان می‌طلبد» (همان، ص ۱۸۸). وی دوازده دسته از آیات قرآن را شاهد مدعای خود می‌آورد و با اعتراف به تفاوت دیدگاه قرآن درباره تثلیث و مانند آن با قرائت مشهور دین یهود و مسیحیت، به نقد نظریه تأثیرپذیری قرآن فقط از یهود یا فقط از مسیحیت یا از هر دو می‌پردازد (همو، القرآن دعوة نصرانیة، ص ۷۱۸ - ۷۱۹). وی معتقد است که قرآن از «نصرانیت» تأثیر پذیرفته است. و می‌نویسد: «قرآن فراخوانی نصرانی گونه است» (همان، ص ۷۲۰).

به عقیده حداد مسیحیت شامل مسیحیان حجاز و غیرحجاز می‌شود، اما نصرانیت شامل گروهی از پیروان عیسی ﷺ است که از بنی‌اسرائیل بودند و موسی و عیسی را به عنوان پیامبر الهی می‌پذیرفتند و تورات و انجیل را به عنوان دو کتاب مقدس الهی قبول داشتند (همان، ص ۶۷۱).

برخی مستشرقان نیز به مصادیق تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ یهودی و مسیحی اشاره کرده‌اند، از جمله:

یک - گلدزیهر معتقد است: مفهومی از توحید که نفی بت‌پرستی عرب است، در ذات و جوهره با توحیدی که در عهد قدیم آمده است، همخوانی دارد (بدوی، عبدالرحمن، دفاع عن القرآن، ص ۱۰۸).

دو - همو می نویسد: نمازی که مرکب از قیام، قرائت، رکوع و سجود، همراه با وضو است با مسیحیت شرقی مرتبط است (گلدزیهر، العقیده والشریعة فی الاسلام، ص ۲۴).

سه - همو می نویسد: روزه دهم هر ماه قمری بود سپس به ماه رمضان منتقل شد و این گویای روزه بزرگان یهود است (همان).

چهار - نولدکه معتقد است: عبارت آغاز هر سوره قرآن غیر از سوره براءت (توبه) برگرفته از زبان رایج کتاب مقدس است (همان، ص ۵۰).

پنج - «هورو وتیز» معتقد است: قرآن... داستان‌ها و احکامی است که محمد صلی الله علیه و آله آن‌ها را از تورات استفاده کرده و در جاهای زیادی یاد نموده است؛ بدون آن که منبعی که به نقل از آن پرداخته را یادآوری نماید (هورو وتیز، مقاله التوراة، دایرة المعارف الاسلامیة، ج ۶، ص ۱).

شش - جوین بل معتقد است: نماز جمعه عمومی و ایراد خطبه آن در شهر مدینه تحت تأثیر فرهنگ یهود بوده است (جوین بل، مقاله الجمعة، همان، ج ۷، ص ۱۰۵).

هفت - «کاراداری وو» بر آن است که جبرئیل شناسی پیامبر ناشی از انجیل است (کارادی، مقاله جبرئیل، همان، ج ۶، ص ۲۷۷).

هشت - «حداد» معتقد است: سوره مریم اوج تأثیر مسیحیت در پیامبر و قرآن است وی قل هو الله احد را ترجمه عبارتی از نماز یهودیان و داستان موسی در قرآن را متأثر از داستان موسی در تورات می‌داند (یوسف دره حداد، القرآن والکتاب، ص ۴۶۰ و ص ۳۸۶). همچنین آیات ۲۳ - ۳۹ سوره اسراء را همان کلمات ده‌گانه‌ای می‌داند که بر موسی در تورات نازل شده است. نیز پرداخت زکات و صدقات به بینوایان را که در آیه ۱۹ ذاریات آمده، دستور رایج میان عابدان مسیحی نسطوری می‌شمارد (همان، ص ۴۸۴).

نُه - «ونسینگ» اقامه نماز در سه هنگام صبح و ظهر و شام را گویای کار یهودیان می‌داند و آشنایی پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با شفاعت در قیامت را از اندیشه‌های یهود و نصارا متأثر می‌داند (وینسینگ، مقاله الصلاة، دایرةالمعارف اسلامیه، ج ۱۴، ص ۲۷۷ و ۲۸۱).

بررسی

در تأثیرپذیری قرآن از کتاب مقدس (تورات و انجیل و ملحقات آن‌ها)، فرهنگ یهود و مسیحی توجه به چند نکته قابل توجه است:
اول) ادیان الهی از یک منبع (وحی الهی) سرچشمه می‌گیرند، از این‌رو عناصر مشترک در عقاید، اخلاق و احکام دارند، خدای متعال این عناصر مشترک را برای همه پیامبران خود نازل کرده است و آن‌ها در ضمن کتاب‌های مقدس، دستور العمل‌های خود (سنت) را برای مردم بیان کرده‌اند.
 پس وجود شباهت در آموزه‌های قرآن با کتاب‌های مقدس پیشین از نظر منطقی ملازم با تأثیرپذیری از آن‌ها یا اخذ مطالب توسط پیامبر از فرهنگ ادیان پیشین نیست.

الف - عناصر مشترک در حوزه عقاید

مسئله توحید یکی از آموزه‌های مشترک همه انبیای الهی است. قرآن کریم هدف حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام را توحید حکایت می‌کند:
«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ» (هود/۲۵ - ۲۶)؛ «و به یقین، نوح را به سوی قومش فرستادیم (گفت): در حقیقت من برای شما هشدارگری روشن‌گرم که جز خدا را نپرستید؛ [چرا] که من از عذاب روزی دردناک بر شما می‌ترسم!».

سپس از قول هود علیه السلام دعوت مردم به توحید را نقل می‌کند:

﴿وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنُّ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ﴾ (هود / ۵۰)؛ «و به سوی (قوم) عاد، برادرشان هود را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم [من]! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ شما جز دروغ‌پردازان نیستید».

سپس از قول صالح علیه السلام دعوت به توحید را حکایت می‌کند:

﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾ (هود / ۶۱)؛ «و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم [من]! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. او شما را از زمین پدید آورد و سازندگی آن را به شما وا گذاشت؛ پس، از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید؛ [چرا] که پروردگار من نزدیک [و] اجابت‌کننده (درخواست‌ها) است».

در مورد ابراهیم علیه السلام نیز حکایت می‌کند که مردم و نمرود را به پروردگار جهانیان دعوت می‌کرد و با آن‌ها مجاجه می‌نمود:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (بقره / ۲۵۸)؛ «آیا اطلاع نیافتی از [حال] کسی که چون خدا به او فرمان‌روایی داده بود، با ابراهیم درباره پروردگارش بحث [و جدل] کرد؟ هنگامی که ابراهیم گفت: «پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» (نمرود) گفت: «من (نیز) زنده می‌کنم و می‌میرانم.» ابراهیم گفت: «پس، در واقع، خدا خورشید را از خاور

البته در مورد معاد نیز همین مطلب صادق است. لازم به یادآوری است که مطالب قرآن در حوزه عقاید با مطالب تورات و انجیل تفاوت‌هایی نیز دارد که در ادامه ذکر می‌کنیم.

ب - عناصر مشترک در حوزه احکام و اخلاق

قرآن کریم بسیاری از دستورات اخلاقی و قوانین و مقررات دینی ادیان پیشین را نقل و تأیید می‌کند، چون همه آن‌ها از سوی خدای یگانه نازل شده است. قرآن حج ابراهیمی را نقل و تأکید می‌کند (حج/۲۵-۳۷)، (بقره/۱۲۵-۱۲۸) و دوری از آیین توحیدی ابراهیم عليه السلام را سفاهت و سبک‌سری می‌خواند (بقره/۱۳۰). نماز و برخی احکام و دستورات اخلاقی را از لقمان حکیم نقل می‌کند و می‌فرماید:

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَلَا تَصْعَرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ (لقمان/۱۷-۱۸)؛ «ای پسرکم! نماز را برپا دار و به [کار] پسندیده فرمان بده و از [کار] ناپسند منع کن و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می‌رسد، شکیباً باش؛ که این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست و از مردم، رخت را (متکبران) برنتاب؛ و در زمین با سرمستی و تکبر راه نرو، [چرا] که خدا هیچ متکبر خیال‌پردازِ فخرفروشی را دوست ندارد».

قرآن کریم تصریح می‌کند که روزه در امت‌های پیشین واجب بود و در اسلام نیز واجب شد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/۱۸۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر شد، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود؛ تا شاید شما خود نگه‌دار باشید».

البته برخی مطالب مربوط به اخلاق و احکام قرآن با تورات و انجیل تفاوت‌هایی دارد که در ادامه ذکر می‌کنیم.

ج - عناصر مشترک در حوزه تاریخ

قرآن کریم داستان پیامبران الهی را از قول فرشته وحی نقل می‌کند و حتی برخی صحنه‌های مخفی زندگی مریم علیها السلام را این گونه ذکر می‌کند، مانند:

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذِ يَقُولُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذِ يَخْتَصِمُونَ﴾ (آل عمران/۴۴)؛ «این [مطالب]، از خبرهای غیبی (= از حسّ پوشیده) است که آن را به تو وحی می‌کنیم؛ و [گرنه، تو] نزدشان نبودی، هنگامی که قلم‌های خود را (برای قرعه‌کشی، به آب) می‌افکندند [تا] کدام یک سرپرستی مریم را عهده‌دار شود، و(نیز) به هنگامی که [با یک‌دیگر] کشمکش داشتند، نزدشان نبودی».

﴿وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الْغَافِلِينَ﴾ (یوسف/۳)؛ «و مسلماً، پیش از این، از بی‌خبران بودی».

این اخباری است که بشر جز از راه غیب نمی‌توانست به آن‌ها دسترسی پیدا کند. قرآن در همین راستا قصه موسی و عیسی و برخی قصص تاریخی مثل داستان ذوالقرنین و اصحاب کهف را نقل کرده است.

توجه به این نکته‌ها لازم است:

۱. وقایع تاریخی یک بار اتفاق می‌افتد و اگر چند نفر بخواهند از یک منبع «به صورت صحیح» نقل کنند، همگی به یک صورت نقل خواهند کرد و این دلیل نقل از هم نیست؛ بلکه نشان می‌دهد که آن‌ها از منبع الهی واحد استفاده کرده‌اند. البته داستان‌های قرآن تفاوت‌هایی نیز با کتب مقدس پیشین دارد که در ادامه ذکر می‌کنیم.

نتیجه این‌که اگر شالوده اسلام بر توحید است، متأثر از فرهنگ یهودی نیست و اگر نماز و روزه در اسلام هست، بازتاب فرهنگ مسیحیان نسطوری نیست؛ بلکه خدایی که این امور را بر پیامبران الهی پیشین و پیروان آن‌ها واجب کرد، بر پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان نیز واجب کرده است.

و اگر قرار باشد که مشابهت اصول و مقررات ادیان الهی دلیل تأثیرپذیری باشد، باید گفت که در این مورد مسیحیت رونویس یهودیت است و یهودیت برگرفته از دین ابراهیم علیه السلام و آن هم برگرفته از دین نوح علیه السلام است و هیچ کتاب جدید و مستقلی وجود ندارد؛ در حالی که هیچ یک از پیروان ادیان الهی چنین چیزی را نمی‌پذیرند.

۲. وجود تفاوت بین قرآن و کتب آسمانی دیگر، دلیل آن است که قرآن برگرفته از آن‌ها نیست. این تفاوت‌ها در حوزه‌های مختلف عقاید، اخلاق و احکام و قصص خود را نشان داده است؛ البته گاهی این موارد از حد تفاوت فراتر رفته و به تقابل با فرهنگ یهودی و مسیحی رایج و نفی برخی عناصر آنها منتهی می‌شود.

مثال‌ها

۱. قرآن کریم توحید را می‌پذیرد و تثلیث را رد می‌کند

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (مائده / ۷۳)؛ «کسانی که گفتند:

«در واقع، خدا سومین [خدا از] سه [خدا] است.»، به یقین، کفر ورزیدند؛ و هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر به آنچه می‌گویند، پایان ندهند، حتماً، به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید».

اما فرهنگ مسیحی رایج - از صدر اسلام تاکنون - تثلیث را می‌پذیرد.

۲. قرآن فرزندانگاری مسیح را برای خدا نمی‌پذیرد و می‌فرماید:

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (توبه / ۳۰)؛

«و یهودیان گفتند: «عزیر پسر خداست.» و مسیحیان گفتند: «مسیح پسر خداست.» این سخن آنان است با دهانشان؛ که به گفتار کسانی که قبلاً کفر ورزیدند؛ شباهت می‌جویند خدا آنان را بکشد! چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند!».

در حالی که این رویکرد در فرهنگ رایج مسیحیان پذیرفته شده است.

۳. قرآن بر خلاف فرهنگ یهودی فرزندانگاری عزیر را رد می‌کند (همان).

۴. قرآن قصاص را این گونه مقرر کرده است

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدَاةٍ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره / ۱۷۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (حکم) قصاص در باره کشتگان بر شما مقرر شده است: آزاد عوض آزاد، و بنده عوض بنده، و زن عوض زن؛ و کسی که از برادر (دینی) او، چیزی (از قصاص) به او بخشیده شود، پس (راه) پسندیده در پیش گیرد و به نیکی [خون بها] را به او بپردازد؛ این، تخفیف و رحمتی از طرف پروردگارتان است؛ و کسی که بعد از آن تجاوز کند، پس عذابی دردناک برایش خواهد بود.»

ولی این مطلب در انجیل موجود رد شده است (انجیل متی، باب پنجم،

شماره ۴۰ - ۳۸).

۵. نقل داستان‌های پیامبران الهی در قرآن همراه با احترام و پاکی است، از

جمله در مورد لوط عليه السلام و اصحابش می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾ (اعراف / ۸۲)؛ «پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:

آنان را از آبادی تان بیرون کنید؛ چون آنان مردمی اند که پاک دامنی می جویند».

ولی داستان پیامبران در تورات فعلی به گونه‌ای نقل شده است که با ساحت پاک آنان سازگار نیست؛ از جمله به لوط نسبت زنا با دخترانش را می‌دهد (کتاب مقدس، سفر پیدایش، باب نوزدهم، شماره ۳۳) و در مورد سلیمان و داود مطالب ناروا نقل می‌کند (ر.ک: کتاب مقدس، کتاب مزامیر، کتاب جامعه سلیمان، و کتاب غزل عزل‌های سلیمان و...).

۶. احکام موجود در قرآن کریم غالباً از نظر شرایط و جزئیات با احکام ادیان پیشین متفاوت است، مثلاً خصوصیات روزه، نماز، نماز جمعه، زکات و ... که در اسلام وارد شده است، با خصوصیات آن‌ها در یهود کاملاً متفاوت است، حتی در برخی موارد قرآن به صراحت احکام موجود در ادیان پیشین را ردّ می‌کند، از جمله در مورد ممنوع بودن خوردن برخی از اجزای حیوانات مثل «گوشت شتر» که حضرت یعقوب علیه السلام به خاطر بیماری بر خود ممنوع کرده بود، (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶ - ۵؛ رضایی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص ۱۸۳ - ۱۸۴) قرآن تذکر داده و آن ممنوعیت را برداشته است.

﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِذًا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران / ۹۳)؛ «همه‌ی غذاها بر بنی اسرائیل (= فرزندان یعقوب) حلال بود؛ جز آن چه پیش از فرو فرستاده شدن تورات، اسرائیل (= یعقوب) بر خویش ممنوع کرده بود؛ بگو: اگر راست می‌گویید (که غیر از این است)، پس تورات را بیاورید و آن را بخوانید [و از آن پیروی کنید]».

۳. قرآن کریم در موارد متعددی اخلاق و رفتار و عقاید یهود و مسیحیت را

سرزنش می‌کند؛ در حالی که اگر قرآن متأثر از یهود و مسیحیت و یا جمع آنها (نصرانیت) بود، نباید آنان را سرزنش می‌کرد.

مثال‌ها

قرآن یهودیان را در موارد متعددی نکوهش می‌کند، مانند: کفران نعمت (بقره/۲۱۱)، پیمان‌شکنی (بقره/۹۳، ۸۳ و ۱۰۰)، انکار آیات و معجزات (نساء/۱۵۵)، قتل پیامبران الهی (بقره/۶۱، ۹۱ و...)، تکذیب برخی پیامبران (مائده/۷۰)، گوساله‌پرستی (بقره/۵۱ و ۵۴ و ۹۲ و نساء/۱۵۳ و...)، سنگ‌دلی و قساوت قلب (نساء/۱۶۱)، رباخواری (نساء/۱۶۱)، دروغ بستن به خدا (آل‌عمران/۷۵)، دشمنی با جبرئیل (بقره/۹۷ - ۹۸) و ...

قرآن مسیحیان را هم در مواردی سرزنش می‌کند، مانند:

غلو در دین (نساء/۱۷۱)، بدعت‌گذاری در دین و رهبانیت (حدید/۲۷)، فسق و انحراف (حدید/۲۷)، عقایدشان در مورد عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و مریم عَلَيْهَا السَّلَام (توبه/۳۰- مائده/۱۷ و ۷۲ و ۱۱۶)، فراموشی پیمان‌های الهی (مائده/۱۴) و تثلیث (نساء/۱۷۱).

نتیجه

براساس آن چه گذشت قرآن کریم عناصر مشترکی با تورات و انجیل دارد، چون منبع آنها وحی الهی و مشترک است، ولی تفاوت‌های زیادی نیز دارد. پس سخن برخی مستشرقان در مورد تأثیرپذیری قرآن از کتاب مقدس صحیح نیست.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] شواهد و دلایل درون‌متنی و برون‌متنی زیادی در این مورد وجود دارد؛ ر.ک. به: التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت؛ صيانة القرآن عن التحریف، و تاریخ قرآن، همو؛ البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی؛ پژوهشی در تاریخ قرآن، دکتر سید محمد باقر حجتی.
- [۲] یوسف ذرّه حداد، متولد یکی از روستاهای قدس ۱۹۱۳م است. او کشیش مسیحی است و در منطقه فلسطین و لبنان به تحصیل علوم قرآن پرداخت و کتاب «القرآن و الكتاب» و «القرآن دعوة نصرانية» از آثار اوست.

منابع

۱. بدوی، عبدالرحمن، الدفاع عن القرآن ضد منتقديه، مكتبة مدبولی، مصر.
۲. تيسن، هنرى، الهيات مسيحي.
۳. خويى، آية الله سيد ابوالقاسم، البيان فى تفسير القرآن، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۹۴ ق.
۴. رضایی اصفهانی، دکتر محمدعلی، تفسير قرآن مهر، پژوهش های تفسير و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۷.
۵. سعیدی روشن، دکتر محمد باقر، تحليل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳ ش.
۶. همو، تحليل وحى از دیدگاه اسلام و مسیحیت، مؤسسه فرهنگى اندیشه، قم، ۱۳۷۵، چ اول.
۷. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۸. درة الحداد، يوسف، القرآن دعوة النصرانية، منشورات المكتبة البولسية، بيروت، ۱۹۸۶ م، چ دوم.
۹. همو، القرآن و الكتاب، بی نا، ۲۰۰۴ م.
۱۰. كتاب مقدس، (شامل، تورات، انجيل و ملحقات آنها) انجمن كتاب مقدس ايران، ۱۹۳۲ م، تهران.
۱۱. مسترهاكس، قاموس كتاب مقدس، اساطير، تهران، ۱۳۷۷ ش، اول.
۱۲. مكارم شيرازى، ناصر (با همكارى جمعى از نويسندگان)، تفسير نمونه، دارالكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۱۳. معرفت، آية الله محمد هادى، التمهيد فى علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. همو، تاريخ قرآن، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. همو، صيانة القرآن من التحريف، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. هورو و تيز، مقاله التوراة، (دايرة المعارف الاسلامية، دارالمعرفة، لبنان).